

فلسطین پس از مرگ ابوعمار

لیلا جدیدی

سرکوب، میان پرده عقب

نشینی و تلاشی

بقیه از صفحه ۵

انگیزه ای که بزرگترین مشوق جمهوری اسلامی در تلاش آن برای دستیابی به سلاح اتمی و ایجاد کانونهای تنش بین المللی به شمار می رود، همزمان دردناک بودن هر عقب نشینی حتی جزئی را برای آن به گونه تحمل ناپذیری جلوه گر می سازد. پافشاری ملاها در گرفتن "تضمینهای امنیتی" از سه کشور اروپایی، به روشنی دلگرائیهای آنها از پیامد نرمش خود را ثبت کرده است. مهم این نیست که انگلیس، فرانسه و آلمان تا چه اندازه "حق حاکمیت" رژیم در پایمالی حقوق شهروندان ایرانی را به رسمیت می شناسند یا حتی در این مسیر به آن یاری می رسانند، ملاها خواهان به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک عضو کلوب هستند، همچون پاکستان با سلاح اتمی و عربستان سعودی با شمشیرهای گردن زنی اش. آنها به درستی شکاف در هر بخش از مجموعه ی به هم پیوسته ی "نظام" را تهدیدی علیه تمامیت خود ارزیابی می کنند.

این مطالبه ای است که نه دوستان و - و به گونه بدیهی- نه دشمنان جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش و برآورده کردن آن هستند. نزد آنان، مساله "نظام" ولایت فقیه، یک مشکل منفرد با راه حل جداگانه انگاشته نمی شود. درکادر جهانی متحول شده، ناهمگونی ساختاری رژیم ملاها با الزامات و نیازهای دوران آنچنان زمخت و نابه هنجار پیداست که روتوش قسمتهای آماس کرده، تنها ضرورت اصلاح آن در کل را خاطر نشان می سازد.

رهبران جمهوری اسلامی به این حقیقت آگاه هستند. آنها با درک ناپایدار و مرحله ای بودن هر توافق و ایفای نقش آن به مثابه دریچه ای به روی عقب نشینیهای بعدی، به سرکوب و اجتماعی کردن آن روی آورده اند. نمایش آیت الله شاهرودی در این میان پرده به روی صحنه رفته است.



خود را به جنبش انتقاضه پس از مرگ یاسر عرفات حفظ کنند. او از فلسطینیها خواست، به پرئسیپهای ملی و ارزشهایی که یاسر عرفات با آن زندگی کرد، وفادار بمانند.

مرگ یاسر عرفات و انتخاب جورج بوش برای بار دوم، از در رسیدن فرآیند نه چندان خوشبینانه ای در آینده پیش رو سخن می گوید. اگر چه جان کری نیز در سخنرانیهای خود همواره سعی می کرد، خود را بیش از بوش مدافع اسرائیل نشان دهد. تلویزیون الجزیره، در این رابطه گفت: "برای عربها تفاوت بوش و کری این است که بوش عقرب زرد است و کری عقرب قهوه ای که به همان اندازه زهر آگین است."

طی ۴۰ سال، یاسر عرفات با همه ضعفها و کمبودهایش، هرگز زیر بار تمامی خواسته ها اسرائیل و آمریکا نرفت. او نتوانست دولت مستقل و دمکراتیک فلسطین را از راه مبارزه مسلحانه به پیش ببرد. اگر چه تحت فشار در برخی موارد به سازش تن داد، اما حاضر نشد تا آنجا که دشمنان مردم فلسطین انتظار دارند، عقب بنشیند. اکنون امپریالیستها فرصت را غنیمت شمرده اند تا خواستههای خود را به مردم فلسطین دیکته کنند.

این به عهده سازمان ملل خواهد بود که با فرستادن نیروهای محافظ صلح و ایجاد شرایطی که مردم فلسطین بتوانند به رهبران خود دستیابند، به یاری آنان بشتابند.

داده است. دیری نگذشت که شهرهای فلسطینی آماج حملات فاجعه بار و تخریب گرایانه ارتش اسرائیل گردید. یکسال بعد، در آوریل ۲۰۰۳، ایالت متحده به اقدامی چهار جانبه دست زد که در آن آمریکا، سازمان ملل، روسیه و اتحادیه اروپا شرکت داده می شدند. این نیز چیدن یک صحنه نمایشی دیگر بود. آنها قول پایان اختلافات را تا سال ۲۰۰۵، بطوریکه خواستههای هر دو دولت را تامین کند، می دادند. عرفات و فلسطینیها به آن پاسخ مثبت دادند و اسرائیل پذیرش آن را به برآوردن ۱۴ شرط مشروط کرد. بوش در این زمینه، در پاسخ به شارون، نه تنها حمایت کامل خود را از اهداف او اعلام کرد بلکه، خواستار انتقال آوارگان فلسطینی به مناطقی که تحت حاکمیت فلسطینیها است، شد و گفت: "روشن است که این قابل قبول نیست که مذاکرات ما نهایتا به بازگشت کامل به مرزهای ۱۹۴۹ بیانجامد." بوش بدین وسیله اعلام کرد که دولت آمریکا حق مردم فلسطین را به رسمیت نمی شناسد.

از این روست که بوش و بلر بلافاصله پس از مرگ یاسر عرفات، با نقشه های پیشین خود تجدید عهد کرده و تلاش می کنند تا از دادن فرصت به فلسطینیها برای سازماندهی خود جلو گیری می کنند.

مردم فلسطین خواستار سازماندهی خود هستند و یکی از خواستههای به حق آنان آزادی رهبرانشان از زندانهای اسرائیلی است. ماروان برقوتی، رهبر سازمان الفتح که در زندان بسر می برد، مردم فلسطین را فراخواند که تعهد

با حروفی زرنگار در قابی از عاج نام تو حک بر صفحات تاریخ آزادی مردم، رسالت تو آینده فلسطین چشم انداز پرشکوه تو

دلشکستگی و اندوه عمیق مردم فلسطین در مراسم تدفین رهبرشان، بطور چشمگیری خالی از نشانه های شکست و عقب نشینی عزاداران بود. در واقع، پابرجایی عزم فلسطینیها حتی در خلال گریستن و چنگ اندازی بر تابوت یاسر عرفات نیز از چشم تیزبین دوستان و دشمنان او پنهان نمی ماند. آنگاه که موج عظیمی از مردم به سوی اتوموبیلی که او را حمل می کرد می شتافتند و راه را بر آن می بستند، نه نظمی وجود داشت و نه از گارد های انتظامی یا تشریفات معمول خبری بود. منحصر به فردی او و اینکه هرگز به تبدیل شدن به چهره ای تشریفاتی و ساختگی تن نداد، در این رژه ی عزا به اثبات رسید. آنها فریاد می زدند: "خون ما، روح ما، ما خود را فدای تو می کنیم یاسر عرفات." این پاسخی روشن و دندان شکن به دولت های اسرائیل و آمریکا بود که همواره سعی کرده اند با القاب "تروریست" و "مانع پیشرفت مذاکرات صلح"، چهره مردی که نماد مقاومت مردم رنج دیده فلسطین بود را خدشه دار کنند.

اما هنوز تابوت او بر زمین ننشسته، جورج دبلیو بوش و تونی بلر که حتی نتوانسته بودند خشنودی خود را از مرگ عرفات پنهان کنند، در دیدار ۱۲ نوامبر خود، ادعای تبدیل پروسه صلح دست نیافتنی به "صلح پایدار" را کردند. آنها بدین طریق تلاش کردند که با فریب مردم فلسطین، خواستههای خود را به کرسی بنشانند. آنان در گذشته بارها سطح جدی بودن خود در کسب "صلح پایدار" را به نمایش گذاشته اند.

قرارداد صلح اسلو در سال ۱۹۹۹ که به امضا یاسر عرفات و اسحاق رابین رسید و آمریکا نیز یکی از امضا کنندگان آن بود، توسط آمریکا و با ترور رابین نقض شد. این قرارداد، زمان مشخصی را نیز برای پایان دادن به درگیریها تعیین کرده بود. در سال ۲۰۰۲، بوش ادعا کرد که تشکیل دولت فلسطین را در چشم انداز قرار